



"دولت" اقلیم کردستان در پس تحولات خاورمیانه

خالد حاج محمدی

کردستان عراق در ۲۶ سال گذشته و از زمانی که در دل حمله امریکا به عراق به احزاب ناسیونالیست کرد، که مطیع ترین طرفداران امریکا بودند تحویل داده شد، به قیله گاه احزاب ناسیونالیست کرد در منطقه تبدیل شد. رابطه کردستان عراق و دو حزب اصلی ناسیونالیست کرد (جریان بارزانی و طالبانی) با هم و با دولت مرکزی هر مسیری طی کرده باشد، حاکمیت این احزاب بر کردستان عراق، به عنوان الگویی از به قدرت رسیدن بورژوازی کرد، یا به قول خود ناسیونالیستها حاکمیت "کردها"، نگاه و تقدیس شده است. این اتفاق در دل بر متن ستمگری ملی از جانب دولتهای مرتجع منطقه، همراه با تبلیغات وسیع ناسیونالیستی در اهمیت حاکمیت "کردها"، کل ناسیونالیسم کرد را در دوره ای تقویت کرد. توهنات ناسیونالیستی در مناطق کردنشین و امید به اینکه حکومت "ملی و خودی" دردی از هزاران درد و مشکل و معضل مردم محروم را دوا کند، در میان مردم کرد زبان کم و بیش افزایش یافت.

با به قدرت رسیدن این احزاب و علیرغم کش و قوسها و تخاصمات آنها با هم و دعوی همیشگی بر سر سهم هر کدام از آن، حفظ این منطقه به عنوان اقلیم کردستان و حفظ قدرت خود بر آن به عنوان منبع سود و کسب سرمایه و بهشتی برای بورژوازی کرد، اولویت هر دو حزب بارزانی و طالبانی بوده و صفحه ۳



آیا جنگ "کرد" با "کرد" در پیش است؟

محمد فتاحی

بخشی از فعالین ملی گرای کرد نگران جنگ بین احزاب ناسیونالیست کرد در متن جنگ های منطقه ای امروزاند. این یادداشت به اما و اگرهای این مسئله از زاویه نگرش کمونیست ها می پردازد.

ملی گرایان "چپ" کرد مدعی اند که برای جلوگیری از چوب دست شدن احزاب ناسیونالیست کرد توسط دولت های و قدرت های شریک در جنگ منطقه ای، تنها راه "اتحاد کرد" است. خود آنها نگران جنگ قریب الوقوع این احزاب در متن ائتلاف شان با قطب روسیه- جمهوری اسلامی و عربستان-ترکیه اند. خود همین فعالین در عین حال نزد خود می پرسند که چرا "کرد" از تاریخ درس نمیگیرد؟

این نگرانی واقعیت؛ امروز فقط ساده لوحان سیاست از عضویت احزاب ناسیونالیست کرد در ائتلاف های در حال جنگ در منطقه بی خبرند؟ جمهوری اسلامی و روسیه بخشی از اینها را در کنار خود صفحه ۶

ناسیونالیسم کرد و انتخابات مجلس!

مظفر محمدی

دوباره بازار انتخابات مجلس باز شده و ناسیونالیست های کرد هم مثل بقیه طیف های بورژوازی ایران به جنب و جوش افتاده اند و می خواهند به این بهانه هم شده کمر راست کنند. چرا که استفاده از شکاف دولت ها با توافقات اخیر امریکا و اتحادیه اروپا با جمهوری اسلامی و تحولات منطقه، بار دیگر به بن بست رسیده و نرخ خدمات رسانی ناسیونالیسم کرد به دول متخاصم جمهوری اسلامی بشدت تنزل کرده است. امروز بار دیگر فرصتی است که در آستانه انتخابات مجلس شورای اسلامی، طیف های مختلف ناسیونالیسم کرد شانس خود را امتحان کنند. این ها در لباس اصلاح طلب، اعتدال و دمکراسی خواه وارد بازار رقابت و تصرف چند کرسی در مجلس اسلامی شده اند. به گفته منابع غیر رسمی دولت، اصولگرایان و سپاه پاسداران کاندیداهای خود را در میان ناسیونالیست های کرد دارند. از جمله در سنج و منطقه اطراف، یوسف اسدی عضو شورای شهر و مخلص بیت رهبری کاندیدای آنها است و دیگر جناح های ناسیونالیست کرد به افراد خود بعنوان کاندیداهای دوم و سوم راضی اند. بورژوازی ناسیونالیست کرد با جمهوری اسلامی مشکلی ندارد اگر اجازه بدهد در گوشه ای ولو کوچک صندلی ای در قدرت داشته باشد و در قدرت و ثروت سهیم شود. جمهوری اسلامی هم با این خواست بورژوازی کرد همیشه روی خوش نشان داده است. جناح چپ ناسیونالیسم کرد هم داشتن یک نماینده در مجلس آب از لب و لوجه اش آویزان می کند!



زمینه های حمله دولت ترکیه به مناطق "کرد" نشین

صفحه ۸

ناسیونالیسم کرد و انتخابات ...

اما تجربه چند دهه اخیر به کارگران و مردم زحمتکش کردستان ثابت کرده است که بازی انتخابات و برندگان و بازندگان در میان گرایش‌های گوناگون ناسیونالیست کرد، ربطی به کار و زندگی و منفعت آنها نداشته و ندارد. در این دوره باز شاهدیم که کاندیداهای وابسته به دولت و احزاب بورژوازی و ناسیونالیست کرد لیست خدمات آتی شان را برای مردم ردیف می کنند. یکی در روستاها وعده ی رفاه با سرمایه گذاری بیشتر، طرح های عمرانی، رساندن آب به زمین های کشاورزی، پرداخت سوبسید به کشاورزان و وام و ماشین های کشاورزی و... می دهد. دیگری افشار متوسط را با وعده ی گشایش فضای سیاسی و فرهنگی به رای دادن به خود تشویق و دعوت می کند.

اما اگر ولو بخش کوچکی از مردم هنوز به این وعده ها امید بسته باشند، اما اکثریت مردم از کارگر و زحمتکش و زنان و جوانان، این دروغ های علنی و فریبکاریهای بی شرمانه را به پشیزی نمی خرند.

جواب کارگران و زحمتکش و بخش آگاه جامعه به انتخابات و دعوای و رقابتهای بین طیف های مختلف بورژوازی چه در کردستان و چه در سراسر ایران روشن است.

اگر برای یک بار هم شده میکروفون صدا و سیمای جمهوری اسلامی را جلو دهن یک کارگر آگاه بگیرند، او تعریف و روایت خود را از انتخابات و وعده ای رفاه و آزادیشان دارد.

کارگر آگاه خطاب به بورژوازی حاکم و پارلمان فعلی و آتی اش می گوید، شما بیش از سه دهه است امتحانتان را پس داده اید. بیش از سه دهه است دروغ می گوید و مردم را فریب می دهید و هر صدای آزادیخواهی و رفاه طلبی را در گلو خفه می کنید. شماها دعوای و منافع خودتان را دارید نه رفاه جامعه و آزادی و حرمت انسان. رفاه برای طبقه کارگر و مردم زحمتکش یعنی تامین کامل معیشت خانواده های خود، یعنی پایان فلاکت، یعنی دستمزد و حقوق های متناسب با نیاز و تورم و گرانی، یعنی بیمه بیکاری برای همه بیکاران کشور و...

آزادی برای طبقه کارگر و مردم زحمتکش یعنی تامین آزادی بی قید و شرط سیاسی، آزادی بیان و تشکل و اعتصاب، آزادی و برابری کامل زن و مرد و...

آیا هیچ جناح بورژوازی و کاندیداهایشان برای مجلس اسلامی چنین تعریفی از رفاه و آزادی و امنیت مردم دارند؟ بهیچوجه.

و اینجا است که دیگر حساب انتخابات های جمهوری اسلامی از حساب منفعت کارگران و زحمتکش جدا می شود.

دلیل همین تعاریف و منفعت های متفاوت طبقه حاکم و نمایندگان در مجلس با طبقه کارگر و مردم زحمتکش و جوان بیکار و زن اسیر پوشش اجباری و آپارتاید جنسی، است، که چرا نباید در نمایش مسخره بورژوازی به نام انتخابات و به نام مردم شرکت کرد. به همه این دلایل هر کارگر آگاهی و هر شهروند آزادیخواه و برابری طلبی خواهد گفت که در انتخابات مجلس اسلامی شرکت نمی کنم.

اما طبقه کارگر و مردم زحمتکش در رابطه با سیاست ها و ترندها و انتخابات های جمهوری اسلامی بی تفاوت یا ساکت و خانه نشین نیست. تحولات و تحرکات بورژوازی تحت هر نامی و از جمله انتخابات چه در سطح سراسری و چه منطقه ای و در لباس این و آن قوم و طایفه و غیره، فرصتی است که کارگران آگاه و مردم آزادیخواه، افق و پرچم و مطالبات رفاهی و سیاسی و آزادیخواهانه اش را پیش روی طبقه حاکمه و نمایندگان رنگارنگش بگیرد. از زبان خودش و مستقل از بازی و شوها و نمایش های بورژواها، بگوید که هر تغییری از بالا اگر معنی اش تغییری به نفع زندگی و کار و رفاه و آزادی و امنیت جامعه نباشد، به من و جامعه ای که در آن زندگی می کنم بی ربط است.

" اگر چه تغییرات از بالا و چیدن دوباره کرسی های مجلس و یا انتخابات ریاست جمهوری چندان بی ربط هم نیست. اما ربطش در این است که با این کارها هر بار پایه های نظام بردگی و جرم و جنایتش را تعمیر و تحکیم می کند و خود را برای دور دیگری از سرکوب و ستم و استثمار طبقه کارگر آماده می سازد.

اگر امروز طبقه کارگر و مردم زحمتکش توان برچیدن بساط نمایش های مسخره جمهوری اسلامی به نام انتخابات را ندارند، اگر امکان برگزاری یک انتخابات آزاد که در آن احزاب و گرایش های طبقاتی و اجتماعی و با استفاده ی برابر از امکانات مالی و رسانه ای و تامین آزادی کامل بیان و مطبوعات و اجتماعات شرکت کنند...، وجود ندارد، اما نباید گذاشت بورژوازی حاکم و شعبات ناسیونالیست آن از جمله در کردستان این نمایش را با خیال راحت به سرانجام برسانند. باید به این حاکمان زر و زور نشان داد که چه امروز و چه فردای پس از انتخابات با فضای اعتراض مردم و مطالبات رفاه طلبانه و آزادیخواهانه ی واقعی و تامین معیشت و امنیت کامل روبرو هستند.

اگر چه شدت متوهم است. این رژیم بحران های زیادی را پشت سر گذاشته است. جناح های درون رژیم و یا بورژوازی اپوزیسیون همیشه وجود داشته و اصطکاکات و اختلافاتشان را داشته اند اما در نهایت در یک موضوع با همدیگر هم منفعت اند و آن حفظ این نظام است. نظام سرمایه داری و تامین سود سرمایه ها. هیچ رژیمی ولو کاملاً نظامی هم نمی توانست این چنین کار ارزان و سودآوری سرمایه را در ایران بعد از انقلاب بهمین برای بورژوازی تامین و تضمین کند. بنا بر این، دل خوش کردن و سرمایه گذاری بر سر اختلافات جناحی و یا شکافهای از بالا، سیاستی جز انتظار و توهم نیست.

اتفاقی اگر قرار است بیفتد باید از پایین بیفتد. از جبهه اعتراضات طبقاتی طبقه کارگر و مردم زحمتکش بر سر معیشت و آزادی و امنیت. اگر در جایگاه کارگر به مثابه طبقه در جامعه بایستی و به شکاف ها و اختلافات جناحی درون و بیرون بورژوازی حاکم نگاه کنی باز جواب به این سادگی است که بیش از سه دهه است که این اختلافات بر سر منفعت من کارگر نبوده و نیست. چرا من باید منتظر تغییری از بالا به نفع خود باشم؟



کارگران جهان متحد شوید

"دولت" اقلیم کردستان در پس ...

هست. در این

جامعه و در مدت کوتاهی ما شاهد عروج طیفی از سرمایه داران و تجار و...، خصوصا در میان سران خود این احزاب هستیم که پول و سرمایه عظیمی را بدست آوردند. محلات پولداری و کاخها و ویلاها و رستورانهای مجلل و کاباره های اعیانی و... به بخشی از سیمای امروز کردستان عراق تبدیل شده است. همین حقیقت توجه احزاب ناسیونالیست کرد و بخشهایی از بورژوازی کرد را در بقیه کشورها به خود جلب کرد. در کنار این اوضاع طبقه کارگر و محرومان این منطقه روز به روز شاهد فقر بیشتر و بی امکاناتی، بیکاری و محرومیت و افزایش هر روزه استثمار و فاصله طبقاتی خود با کسانی بودند که زمانی به آنها به عنوان رهبران جنبش "ملی کرد" امیدی بسته بودند. برمتن این واقعیت و ریختن توهم به "دولت خودی کرد"، به مرور شاهد رشد اعتراضات توده های مردم زحمتکش به حاکمیتی بودیم که بر شانه های توهمات خود آنها بیست و شش سال در قدرت مانده اند.

دولت اقلیم و دولت مرکزی عراق

حمله آمریکا و متحدین آنها به عراق و نابودی کامل زیر ساختهای اقتصادی و کشتارهای وسیع و ویرانی کشور عراق و سرانجام اشغال این کشور توسط دول غربی که با شعارهای دروغین و پرطمطراق مبارزه با صدام، "دخالته بشردوستانه" آنها و کمک به رشد "دمکراسی" در عراق دنبال شد، عوارض سنگین و عمیقی برای کل خاورمیانه و از همه بیشتر برای مردم عراق داشت. مردم عراق هنوز دارند تاوان "گسترش دمکراسی" مدل آمریکا و ناتو را پس میدهند. رشد جریانات باند سیاهی، حاکمیت

عملی گروههای تروریستی قومی و مذهبی، رشد تعصبات ملی و مذهبی، ترور و کشتار و انفجارات هر روزه در این جامعه و فقر و محرومیت بی حد و حصر، تنها گوشه ای از حقایق جامعه عراق و از نتایج "گسترش دمکراسی" غربی است. جنایات دولت آمریکا در این کشور و نفرت عمیق و عمومی از حضور آنها در این منطقه، در نبود نیرویی چپ و سکولار که خلاء مبارزه علیه اشغال را پر کند، به جریانات باند سیاهی و مسلح امکان داد که زیر نام "مبارزه با اشغالگر" و مخالفت با توحش غرب، و با اتکا به امکانات مالی وسیع دولتهای منطقه و در متن استیصال کامل و حاکم بر مردم عراق، رشد کنند.

سرمه کردن دولت عراق با ترکیبی از نیروهای باند سیاسی از سنی و شیعه و ناسیونالیستهای کرد، و تلاش هر یک از آنها برای سهم بیشتر از قدرت با اتکا به افزایش نفاق مذهبی و قومی و در جدالی همیشگی، باعث شد که این جامعه هیچوقت آرامشی به خود نگیرد. تا جایی که به ناسیونالیست های کرد برگردد، آنها در قدرت مرکزی سهیم و درآمدهای جامعه عراق از جمله پول نفت و ... در توازی که میان نیروهای دخیل در حکومت برقرار بود، صاحب سهمی شدند. علیرغم اینکه در دولت حاکم بر عراق پستهای اصلی میان سران جریانات بورژوایی، از سنی و شیعه تا کرد و... تقسیم شده بود، و در این میان دوره ای جلال طالبانی و دوره اخیر فواد معصوم که هر دو از عناصر اصلی اتحادیه میهنی هستند، به عنوان رئیس جمهور عراق تعیین شدند، علیرغم اینکه کردستان عراق عملا و رسماً زیر حاکمیت دو حزب اصلی ناسیونالیست کرد بوده است، اما تخصصات میان دولت مرکزی و حکومت اقلیم کردستان و مدل فدرالیسم قومی به عنوان دملی چرکین و ماندگار همیشه باقی مانده است.

اوضاع کنونی منطقه و موقعیت اقلیم کردستان

در ۲۶ سال گذشته ناسیونالیستهای کرد در منطقه تابع سیاستهای غرب و مشخصاً دولت آمریکا و گوش به فرمان آن بوده اند. با شکست سیاستهای آمریکا در خاورمیانه و کم شدن نقش و جایگاه آن و عروج قدرتهای دیگر و دخالت بیشتر دولتهای ایران، ترکیه، عربستان و... سطح رابطه اقلیم کردستان هم با این دولتها دستخوش تغییراتی شده است. ما در کل این ۲۶

زحمتکش نباشید. شما لیبرال ها و منتقدین بی آزار دولت و مجلس کار خود و دغدغه ها و مشغله های خود را دارید و طبقه کارگر و مردم زحمتکش و حقوق بگیر جزء مشغله ها و دغدغه ها و معیارها و مطالبات خودش را دارد. سیاست انتظار و توهم یا تشدید مبارزه طبقاتی که پرچم امروزش رفاه و آزادی و امنیت است!

دی ماه ۹۴ (دسامبر ۲۰۱۵)

احمدی نژاد نانی به سفره ام اضافه نکرد. در همه این دوره ها دستمزد کم کفاف نصف مخارج خانواده ام نبود. در همه این دوره ها، تشکل و تحزب کمونیستی طبقه من آزاد نشد. در هیچکدام از این دوره ها، بیمه بیکاری مکفی به کارگران بیکار داده و تضمین نشد... اعدام لغو نشد، آپارتاید جنسی لغو نشد...

این است معیار من از نگاه به تغییرات از بالا. این است نگاه من به شکاف ها و اختلافات جناحی و غیره. برای من کارگر، کلیت رژیم با دولت و مجلس و دستگاه قضایی و زندان ها و سپاه و اطلاعاتش دست هر جناحی باشد باز استثمار و ستم و تبعیض و نابرابری سر جای خود است. پس لطفا منتظر شکاف از بالا و یا تغییراتی از بالا به نفع طبقه کارگر و مردم

ناسیونالیسم کرد و انتخابات ...

اما اگر در جایگاه یک روشنفکر لیبرال و در میان افشار متوسط جامعه بایستی، به شما خواهند گفت مگر دوره خاتمی با دوره احمدی نژاد متفاوت نبود؟ و خواهند گفت که در نتیجه شکاف از بالا ما یک دوره توانستیم نهادهای مدنی و نشریات و روزنامه های متعدد سازمان دهیم. باز جواب کارگر آگاه به این افشار متوهم این است که، کل اهداف شما را تشکیل یک ان جی او و یک نشریه یا وبلاگ نیم بند تشکیل می دهد. بگذارند نشریه ات در بیاید و غر ولندهایی منتشر شوند شما به هدف خود رسیدید. اما برای من کارگر هیچکدام از دوره های اصلاحات خاتمی، سازندگی رفسنجانی و مستضعف پناهی

کارگران جهان متحد شوید

"دولت" اقلیم کردستان در پس ...

سال شاهدیم که اتحادیه میهنی در بخش جنوبی کردستان عراق با مرکزیت سلیمانیه و هم مرز ایران، بیشترین روابط اقتصادی و تجاری و دوستی و نزدیکی با ایران داشته است. و بارزانی که بخش بزرگتری از کردستان عراق را در اختیار دارد، علاوه بر روابط اقتصادی و تجاری وسیع با دولت ترکیه، متحد این دولت در کل این ۲۶ سال است. در حال حاضر جمهوری اسلامی به عنوان دولتی که در کل عراق دست بالا دارد، در جنوب کردستان صاحب اتوریته و نقش و نفوذ و رابطه حسنه با اتحادیه میهنی است و در مناطق شمالی کردستان که تحت کنترل بارزانی است، دولت ترکیه همین موقعیت را دارد.

تحولات سوریه و عروج داعش و حاکم شدن آن بر بخشی از عراق و سوریه، جنگ در کوبانی و مقاومت حزب اتحاد دمکراتیک و مسلح شدن مردم به کمک این حزب، در کنار کمک و دخالت بی دریغ پ ک ک، موقعیت حزب دمکراتیک کردستان سوریه و همزمان پ پ ک را کاملاً تغییر داد. دخالت این حزب در تحولات کردستان سوریه و اعمال حاکمیت خود در این منطقه، جنگ با داعش و کسب موفقیت‌هایی، این حزب و پ ک ک را در کل جنبش ناسیونالیستی و در منطقه صاحب نفوذ و اعتباری کرد. در حال حاضر و تا کنون این دو حزب در تقسیم بندیهای منطقه به عنوان متحدین سوریه، جمهوری اسلامی و دولت اسد شناخته میشوند.

حزب بارزانی که تاریخاً پ ک ک را به عنوان رقیب خود شناخته است و تاریخی از تخصصات را با هم داشته اند، با عروج داعش، به عنوان جریان متحد ترکیه و داعش از آن اسم میبردند. تحویل عملی سنگال به داعش توسط بارزانی و خارج کردن نیروهایش از این منطقه بدون شلیک یک گلوله و عواقب آن و جنایات داعش در سنگال، بستن مرز کردستان عراق بر روی آوارگان سوریه که اکثراً کرد زبان بودند، کندن خندق عمیق در مرز با کردستان سوریه، جهت سد کردن راه آوارگان، عدم کمک دولت اقلیم و در راس آن بارزانی در جنگ کوبانی، اتحاد رسمی و همه جانبه آنها با ترکیه به عنوان دولت مدافع رسمی داعش، حاکمین اقلیم کردستان و مشخصاً جریان بارزانی را نزد متوهم ترین ناسیونالیستها بی اعتبار کرد. اعتراضات در شهرهای مختلف کردستان ایران، ترکیه، عراق در دفاع از کوبانی و افشای نقش مخرب حزب دمکرات کردستان عراق و شخص مسعود بارزانی، موقعیت این جریان را هم در کردستان عراق و هم در منطقه ضعیفتر کرد.

شکست سیاست دولت آمریکا در خاورمیانه و مشخصاً سوریه، عقب نشینی آنها و شکست تاکتیک سپردن منطقه بدست دولتهای ایران و

عربستان و ترکیه و توازن میان آنها و وخیم تر شدن اوضاع منطقه، موج وسیع آوارگی مردم سوریه و...، و سرازیر شدن آن به اروپا، کشیده شدن دامنه تروریسم اسلامی داعش به اروپا،

سرانجام دخالت جدی روسیه در منطقه و شروع جنگی همه جانبه علیه داعش و جبهه النصر و اپوزیسیون اسد، ضعیف تر شدن موقعیت متحدین آمریکا در منطقه، از فاکتورهای این دوره اوضاع خاورمیانه و مشخصاً سوریه است.

از مدتها پیش دیگر این روسیه است که در سوریه و در مبارزه با داعش همراه جمهوری اسلامی نقش اصلی تر را بازی میکند و به عنوان یک نیروی جدی و طبیعتاً در پی اهداف خود، جا پایی جدی پیدا کرده است. دخالت کشورهای اروپایی و همراهی کردن عملی آنها با روسیه، فاکتورهای دیگری هستند که بر کل تحولات این منطقه و از جمله موقعیت احزاب ناسیونالیست کرد تاثیر گذاشته است. تحت تاثیر این واقعیات فشار به عربستان سعودی و ترکیه به عنوان دو دولت متحد ناتو و آمریکا و مدافعان اصلی داعش در منطقه، افزایش یافت. دوره اخیر دوره پیشروی روسیه در ماجرای سوریه، همکاری بیشتر اروپا و روسیه در خاورمیانه و شکست سیاستهای آمریکا و بر همین اساس تحمل شکستهایی به عربستان و ترکیه در این منطقه است.

این حقایق موقعیت نیروهای ناسیونالیست کرد در کل منطقه که هر کدام تابع سیاست یکی از دولتهای مرتجع منطقه بوده اند، را دچار تغییر کرده است.

امروز شکست "دولت" اقلیم کردستان، بحران حکومتی، پوچی پارلمان کارتونی دولت اقلیم کردستان، بی جوابی و بی مسئولیتی احزاب حاکم در مقابل مردم محروم کردستان، نه تنها سخن رایج مردم کردستان است که خود احزاب ناسیونالیست کرد و شخصیت‌های آن در بیان این حقایق ابایی ندارند.

در این دوره ما شاهد تحرکات اعتراضی در شهرهای مختلف کردستان عراق برای بهبود وضعیت معیشت هستیم. تحرکاتی که بخش وسیعی از کردستان عراق را فرا گرفت. ناسیونالیستهای حاکم به بهانه اینکه دولت مرکزی عراق به آنها پول نداده است، از جواب مثبت به این اعتراضات سر باز زده است، کارت سوخته ای که در توجیه بی مسئولیتی آنها در قبال مردم کردستان عراق به کرات مورد استفاده قرار گرفته است. شروع این اعتراضات از طرفی و افزایش نفرت از حاکمین در میان کارگران، معلمین و اقشار کم درآمد جامعه کردستان، انشقاق و اختلاف میان احزاب حاکم در کردستان عراق تحت تاثیر اختلافات جدی ایران، ترکیه و کلا قطب ناتو و روسیه و دولتها و احزاب متحد آنها در منطقه، تشدید اختلافات میان ترکیه و روسیه، همگی به انشقاق میان نیروهای حاکم در اقلیم کردستان تاثیر جدی داشته است. علیرغم اینکه هم بارزانی و هم اتحادیه میهنی و هم سایر نیروهای شریک در قدرت از جمله حزب "گوران" (تغییر)، دو حزب اسلامی و کل بورژوازی کرد در عراق، تلاش میکنند، حاکمیت آنها لطمه نخورد و کردستان در دست آنها به عنوان منبع ثروت باد آورده باقی

بماند، اما این اوضاع کل جامعه کردستان عراق را با سرنوشتی نامعلوم روبرو کرده است. دوره صدارت بارزانی تمام شده است، اما او با اتکا به نیرو و قدرت بیشتری که از بقیه دارد، حاضر به پیشبرد قوانینی که تصویب کرده اند نیست و در صدر قدرت مانده است. پارلمان کردستان که دورانی به عنوان نشانه تمدن و دمکراسی به آن میبایند، عملاً تخته شده است. این پارلمان که در دنیای واقعی در مقابل دو حزب اصلی هیچ قدرت اجرایی نداشت، امروز عملاً تعطیل است. رئیس پارلمان بدستور دفتر سیاسی بارزانی اجازه ورود نه تنها به ساختمان پارلمان بلکه به شهر اربیل را ندارد. چهار وزیر از جناح "گوران" به حکم جریان بارزانی از کار اخراج شده اند، و شخص بارزانی هم با اتکا به نیروی مسح و امکانات مالی و قدرت بیشتر در این منطقه، نه در قبال پارلمان و نه در قبال احزاب دیگر و نه مردم جوابگو نیست. در سلیمانیه و مناطق تابع آن عملاً نیروی بارزانی کاره ای نیست و اتحادیه میهنی همه کاره است. در حال حاضر درآمد و پول و قدرت عملاً در هر بخشی دست نیرویی است که قدرت نظامی و نفوذ بیشتری دارد. بعلاوه این دو نیروی اصلی ناسیونالیست کرد هر کدام متحدین متفاوت و متخاصم منطقه ای با هم دارند. اتحادیه میهنی در جبهه ایران و روسیه با پ ک ک و اتحاد دمکراتیک سوریه دوست است و بارزانی با ترکیه و عربستان سعودی.

"دولت" اقلیم کردستان در پس ...

از احزاب دمکرات ایران تا جریان زحمتکشان عبدالله مهتدی و عمر ایلخانی و... بر اساس سبک سنگین کردن منافع خود، هر کدام به یکی از این جریان‌ها و به این اعتبار هر کدام به یکی از قطب بندیهای شکل گرفته در خاورمیانه آویزان شده اند.

دولت ترکیه و حمله به مناطق کرد نشین

مدتهاست پروژه پ ک ک و دولت ترکیه برای رسیدن به صلح و توافقات، تحت تاثیر تحولات منطقه و سیاستهای مختلف و منافع متفاوت آنها، به بن بست رسیده است. اوضاع کنونی خاورمیانه، بلند پروازیهای ترکیه در سوریه و منطقه را به بن بست رساند. امروز ترکیه حتی از جانب متحدین خود در ناتو، از جمله دولتهای اصلی اروپا چون آلمان و فرانسه تحت فشار است. در سوریه پروژه براندازی اسد نه تنها شکست خورد که متحدین دیروز سوریه از جمله داعش و جبهه النصر و... تحت فشارند. حضور وسیع روسیه در سوریه، حضور ایران به عنوان متحد روسیه و اسد، همکاری اروپا و روسیه در جنگ علیه داعش، ترکیه و عربستان را در این منطقه در موقعیت ضعیفتری قرار داده است.

حمله امروز دولت ترکیه به مناطق کرد نشین و اعمال سیاست جنگ طلبانه، دستگیری و کشتن و ترور مخالفین، نه نشانه موقعیت خوب ترکیه، که عکس العمل دولت اردوغان به شکستی است که در منطقه خورده است. جنایات دولت ترکیه به بهانه مبارزه با پ ک ک که در کنار روسیه در جدال منطقه ایستاده است، تلاش دولت ترکیه برای کسب پیروزی در داخل این کشور و در ایجاد فضای ترور و کشتار و جنایات و بسیج ناسیونالیسم ترک است. ترکیه ای که همراه عربستان و بقیه متحدین در منطقه به جایی نرسیده اند و دچار عقب نشینی شده اند، با جنایات علیه مردم کرد زبان و مناطقی که پ ک ک و حزب اتحاد دمکراتیک خلقها در آن نفوذ داشته و دارند و با تضعیف موقعیت آنها در داخل ترکیه قرار است در ذهن مردم ترکیه جبران شود.

لشکر کشی ترکیه به شهرها و روستاهای کردستان ترکیه و تبدیل محل و زندگی مردم به جنگ و ایجاد فضای نظامی و ترور و میلیتاریسم در این منطقه به هر بهانه ای صورت گرفته باشد، مایه نفرت عمیق هر انسان شرافتمندی است. اما انتخاب این مقطع تاریخی برای اعمال چنین جنایاتی، عکس العمل دیوانه وار دولتی است که در تحولات خاورمیانه دچار شکست هایی شده است.

حزب کارگران کردستان (پ ک ک) همراه

احزاب خواهر خود در سوریه و... در کل تحولات منطقه خاورمیانه و خصوصا در جنگ سوریه به عنوان متحد ایران و روسیه و اسد در مقابل مدافعان ناتو از جمله ترکیه و عربستان و... نقش بازی کرد. امروز حزب اتحاد دمکراتیک سوریه که متحد جریان اوجلان است، در سوریه منطقه کرد نشین را در کنترل دارد. بخش وسیعی از مناطق کرد نشین در ترکیه تحت نفوذ پ ک ک است. این جریان در عراق و حتی ایران بدلیل نقش مثبت در یک دوره سیاه در دفاع از کوبانی و مبارزه با داعش اعتباری کسب کرده است. پ ک ک در مبارزه با داعش بر خلاف دولت اقلیم و حزب بارزانی چه در سوریه و حتی در شنگال نقش مثبتی داشته است. جبهه ای که پ ک ک خود را عنصری از آن میدانند، در تحولات این منطقه موفقیتهایی قابل توجه کسب کرده است. لذا دولت

مسلم است هیچ دولت بورژوازی بدون بسیج مردم و قبولاندن خود به مردم محروم جامعه، نمیتواند روزی سر کار باقی بماند. هیچ قدرت استبدادی بدون رضایت محکومین به حاکمان قابل ادامه نخواهد بود. اولین حکمی که تحولات منطقه بر همگان عیان میکند، این واقعیت ساده است که در جامعه ای طبقاتی هیچ برادری و منفعت مشترک میان مردم جامعه وجود ندارد. بورژوازی کرد در کل منطقه همراه با احزاب سیاسی خود، به منافع خود آگاه است و برای تامین این منافع نه تنها حاضر است که علیه احزاب هم جنبشی خود توطئه کند و خون بریزد، بعلاوه حاضر است پارلمان و قوانین و موازین میان خود را هزار بار زیر پا بگذارد. احزاب بورژوازی که اگر منافع زمینی آنها طلب کند نه تنها حاضر اند شنگال را تحویل دهند و عصای دست داعش شوند، که آماده اند هر میزان از مردم کرد زبان را در عراق، ایران، ترکیه یا سوریه قربانی کنند، مشروط به اینکه این امر در خدمت کسب منافع مادی یا سیاسی خود باشد. کل احزاب اصلی ناسیونالیست کرد در منطقه از بارزانی تا طالبانی، از پ ک ک تا حزب دمکرات کردستان ایران، همگی بدون استثنا دوره های معینی در توافق با جنایتکارترین دولتهای منطقه علیه بقیه جنگیده اند، از مردم کرد زبان کشته اند و با سران دولتهای حاکم در منطقه برادری داشته اند. ملت و ملت پرستی درست مانند "مذهب مشترک" ابزار تصمیق جامعه و نگهداری طوق بردگی طبقات بالا بر طبقه کارگر و مردم محروم، ابزار فریب آنها و تبدیل شان به گوشت دم توپ در خدمت بورژوازی است. و امروز بیش از هر زمانی نقش مخرب ملت پرستی، مذهب و تعصبات مذهبی نه تنها مایه شرم بشریت که ابزار وسیعترین جنایات در جهان ما، در عراق و ترکیه و سوریه است.

مستقل از آینده ترکیه و پ ک ک، این اوضاع نمیتواند به تثبیت میان احزاب ناسیونالیسم کرد و خصوصا افزایش تخصصات میان جریان بارزانی و پ ک ک نیجامد.

پوچی پرچم منافع "ملت کرد"

امروز و در دل این اوضاع و جنگ و جبهه بندیهایی که صورت گرفته است، یک بار دیگر ریاکاری احزاب ناسیونالیسم کرد در ادعای تلاش برای حل مسئله کرد را خواهیم دید. آنچه کل این تحولات برای هر کارگر و انسان زحمتکشی باید روشن کند، پوچی پرچم رهایی مردم کرد، پوچی منافع مشترک کردها و پوچی برادری آنها است. تحولات دوره معاصر در کل این منطقه، حاکمیت ۲۶ ساله احزاب ناسیونالیست کرد بر کردستان عراق و بی حقوقی کامل کارگران و اقشار زحمتکش در این منطقه، بی اعتباری دولت اقلیم و پوچی دمکراسی پارلمانی آن به عنوان ابزار مشروعیت به حاکمیت بورژوازی کرد که حتی بر اساس موازین یک جامعه بورژوازی نیز در کردستان عراق اعتباری ندارد، وحدتها و دوری و نزدیکیهای کل این احزاب در دو دهه گذشته با مرتجعترین دولتها، همگی دال بر یک واقعیت است که ستمگری مردم کردستان پرچم بورژوازی کرد برای سهم خواهی از ثروت و قدرت است. نفس ستم گری بر مردم کرد که تاریخا توسط دولتهای مرتع منطقه اعمال شده

امروز حل ستمگری ملی نه تنها در ماهیت احزاب ناسیونالیست کرد نیست که ماندگاری آن ابزاری برای ادامه حاکمیت آنها و معامله زیر نام حل این ستمگری است. ملت و ملت پرستی و "منافع مشترک یک مردم" به نام ملت و قبول آن از جانب طبقه کارگر و محرومان یک جامعه، امضای تمکین به بردگی خود و تسلیم در مقابل طبقه بورژوا است. کارگران با داشتن و نداشتن هر مذهبی، با هر زبان و منتسب به هر نژادی بخشی از یک طبقه جهانی با منافع مشترک اند. درک این حقیقت و پی بردن به منافع طبقاتی مستقل خود اولین قدم و اولین شرط پایه ای در خاتمه به بردگی این طبقه است.

دارند، عربستان و ترکیه هم بخش دیگر را. هیچ حزب ناسیونالیست کرد در چهار پارچه کردستان خارج از دایره این دو ائتلاف نفس نمی کشد. در این میان، شکست غرب و ناتو در سوریه، اوضاع را دستخوش تغییر کرده است؛ ترکیه و عربستان در مسیر شکست در سوریه هارتر شده اند، روسیه هم در راس قطب مقابل گامهای بلندی جلو آمده است. نتیجتاً هر دو طرف، نیروهای ناسیونالیست کرد هم پیمان خود را به شرکت فعال تر در جنگ فرامیخوانند. جنگ تمام عیار پ ک ک و حزب دمکرات کردستان عراق در اواخر دهه نود میلادی را هم به یاد دارند، که با حمایت دولت های عراق و ترکیه بود. کشتار همدیگر و مردم در تاریخ اینها کم شمار نیست؛ کشتار ملا مصطفی بارزانی از فعالین ملی کرد ترکیه (سعید آلچی و همراهان شان)، اعدام سلیمان معینی و تحویل جنازه اش به شاه ایران نمونه های اولیه قهرمانی های رهبران ناسیونالیست کرد در خدمت به منافع جنبشی خود و دولت های همسایه اند. کشتار مردم و پیشمرگان کومه له و دمکرات توسط نیروهای همین مسعود بارزانی و شرکت شان در اشغال کردستان ایران توسط جمهوری اسلامی تمرینات بعدی حزب دمکرات کردستان عراق است. امروز هم پ ک ک و هم حزب بارزانی، هر دو هم قدرت و هم پول کافی و هم متحدین قدرتمند منطقه ای پشت سر دارند. سوال این است که آیا اینها جرات ورود علنی به یک جنگ رودر رو و خونین با هم را در کنار مولفین منطقه ای خود دارند؟ در چنین صورتی، آیا متحدین این دو قدرت اصلی ناسیونالیسم کرد در میان احزاب هم جنبشی خود در کردستان ایران و عراق هم وارد این جنگ خواهند شد؟ احزاب دمکرات کردستان ایران و کومه له ای های زحمتکشانی و دیگران، کجای

مسیری هیچ کسی از رهبران ناسیونالیستی خائن نیست. در طول عمر بارزانی ها و طالبانی ها و پ ک ک و بقیه، هیچکدام به منافع جنبش خود و منافع طبقاتی خود و جیب خود خیانت نکرده اند. کسی که فکر میکند اینها به مردم خیانت میکنند، دارد توهم خود نسبت به ماهیت طبقاتی و جنبشی اینها را به نمایش میگذارد. مردم شامل طبقات و جنبشهای مختلف و متضاد طبقاتی اند و همه هم منفعت نیستند. در دوران بیست سی ساله دولت ناسیونالیست کرد در عراق بعضی های میلیاردری پول جارو میکنند و بعضی ها هم هنوز که هنوز است جنگ تاملین آب آشامیدنی و برق و ابتدایی ترین امکانات زیست شهری را دارند. چشم آدم فقط زمانی از روئیت این صحنه طبقاتی ناتوان است که حاضر به دفاع از بخش اکثریت دومی نیست.

علت آمادگی چنین فداکاری هایی توسط ناسیونالیسم کرد در چیست؟

علت اول در این است که ناسیونالیسم جنبش و ایدئولوژی بخش هایی از بورژوازی حاکم بر جهان امروز است. موقعیت اجتماعی جنبش های بورژوایی تغییری در ماهیت آنها نمیدهد. نتیجتاً همانطوریکه دولت های بورژوایی در جهت منافع طبقاتی خود وارد وحدت و ائتلاف و جنگ و کشمکش میشوند، احزاب بورژوایی هم در جهت منافع طبقاتی و جنبشی خود وارد همین نوع مناسبات میگردند. در این میان، آنچه که به هیچ وجه نقشی ندارد، هم جنبشی بودن یا نبودن این دولت ها و احزاب است؛ جمهوری اسلامی با دولت ناسیونالیست روس وارد ائتلاف میشود، عربستان سعودی خیلی اسلامی هم با دولت ناسیونالیست- اسلامی ترک وارد ائتلاف علنی میشود. سوال اینکه چرا ناسیونالیسم کرد با ناسیونالیست کرد کنار دستش می جنگد همان اندازه بی جاست که کسی بپرسد چرا دولت عربی عراق با دولت عربی کویت وارد جنگ میشود. طرف که جنبش ناسیونالیستی خود را برای رسیدن خود به قدرت هدایت میکند، همان اندازه دست خود را در تعیین متحد و مولف باز می بیند که بقیه بورژواهای عالم. در چنین

با این اشاره نه چندان مفصل، نتیجه این میشود که نگران های از احتمال جنگ و درگیری خونین احزاب کردی در فردای روز و اتحادشان و ائتلاف شان با طرف های جنگ امروز، ماهیت طبقاتی و بورژوایی اینها را افشا و مردم زحمتکش و کارگر این جامعه از آنها دور کنند. اگر چنین امری ممکن شود، بورژواهای کرد و غیر کرد هیچگاه خود مستقیم به جنگ هم نمیروند. کافیس تا کارگر و زحمتکش اینها را از خود براند تا تمام نقشه های ارتجاعی و جنایتکارانه امروز و فردای شان نقش بر آب شود.

مکتبیت هفتگی به سردبیری فواد عبداللهی دوشنبه ها منتشر میشود

fuaduk@gmail.com

کمونیت به سردبیری خالد حاج ممدی ماهانه منتشر میشود

Khaled.hajim@gmail.com

نشریه نینا، نشریه دفتر کردستان مزب، به سردبیری ممد فتاحی منتشر میشود

m.fatahi@gmail.com

“ نینا را بخوانید

و به

دیگران توصیه کنید ”

از سایتهای زیر لینک کنید

www.hekmatist.com

www.hekmat.public-archive.net

www.koorosh-modaresi.com

www.pishvand.com

www.marxhekmatsociety.com

زمینه های حمله دولت ترکیه به ...



این زمینه صاحب دنیایی تجربه است. با شوروی سابق بود، با سوریه بوده و کماکان هست، با جمهوری اسلامی بوده و کماکان هست، اکنون نیز با سر به سمت مسکو خیز برداشته است. از سیاست کردستان بزرگ و مستقل سابق تا کنفدرالیسم سالهای نه چندان دور، از تسلیم و سازش دوره اخیر با دولت ترکیه تا تشدید جنگ امروز با این دولت، هیچکدام سر سوزنی به حل مسئله کرد و رفع ستم ملی در جامعه ربط ندارند. این جریان در بهترین حالت در حسرت اهداف بارزانی تحت یک دولت کردی در خدمت به منافع بورژوازی کرد و طبقه حاکمه در کردستان است.

دفتر کردستان حزب حکمتیست (خط رسمی) حمله دولت ترکیه به شهر و شهرک های کرد زبان، خانه گردی و دستگیری و اعمال فضای حکومت نظامی و دامن زدن به تحریکات قومی را شدیداً محکوم میکند. به علاوه ما توجه عموم را به نقش و جایگاه تاریخی و واقعی همه احزاب ناسیونالیست کرد در منطقه جلب میکنیم که هر کدام بنا به نرخ روز و منفعتشان، با عضویت در کانون ائتلاف های دول مرتجع منطقه نان می خورند و با پرچم دفاع از مردم کرد زبان مقاصد ارتجاعی و منافع بخشی از بورژوازی کرد در این کشورها را دنبال میکنند. امروز بیش از هر زمانی پرچم های ملی و مذهبی، اشاعه نفاق به نام این ملت و آن ملت، به نام این مذهب و آن مذهب، ابزار وسیعترین جنگهای خونینی است که در همان گام نخست طبقه کارگر و اقشار محروم جوامع خاورمیانه قربانیان آنند. امروز پرچم "ملیت و مذهب"، بیش از هر زمانی داغ بردگی انسان و مایه ننگ بشریت است.

دفتر کردستان حزب حکمتیست - خط رسمی

سوم دیماه ۱۳۹۴ - ۲۴ دسامبر ۲۰۱۵

مبارزه طبقاتی: پرولتاریا و بورژوازی

کمونیسم کارگری اما فرقه مصلحین خیالپرداز و قهرمانان مشتاق نجات بشریت نیست. جامعه کمونیستی الگو و نسخه ای ساخته و پرداخته ذهن خردمندانی خیراندیش نیست. کمونیسم کارگری جنبشی است که از بطن خود جامعه سرمایه داری معاصر برمیخیزد و افق و آرمانها و اعتراض بخش عظیمی از همین جامعه را منعکس میکند.

تاریخ کلیه جوامع تاکنونی تاریخ مبارزه و کشمکش طبقاتی است. جدالی بی وقفه، گاه آشکار و گاه پنهان، میان طبقات استثمارگر و استثمار شونده، ستمگر و تحت ستم در ادوار و جوامع مختلف در جریان بوده است. این جدال طبقاتی است که منشاء اصلی تحول و تغییر در جامعه است.

برخلاف جوامع پیشین که عموماً بر سلسله مراتب طبقاتی و قشربندی های پیچیده ای بنا شده بودند، جامعه مدرن سرمایه داری تقسیم طبقاتی را بسیار ساده کرده است. جامعه معاصر، علیرغم تنوع وسیع مشاغل و تقسیم کار گسترده، بطور کلی بر محور دو اردوگاه طبقاتی اصلی که رودرروی یکدیگر قرار گرفته اند سازمان یافته است: کارگران و سرمایه داران، پرولتاریا و بورژوازی.

تقابل این دو اردوگاه در پایه ای ترین سطح سرمنشاء و مبنای کلیه کشمکش های اقتصادی، سیاسی و حقوقی و فکری و فرهنگی متنوعی است که در جامعه معاصر در جریان است. نه فقط حیات سیاسی و اقتصادی جامعه، بلکه حتی زندگی فرهنگی و فکری و علمی انسان امروز که بظاهر قلمروهایی مستقل و ماوراء طبقاتی بنظر میرسند، مهر این صفتی محوری در جامعه مدرن سرمایه داری را بر خود دارند. اردوی پرولتاریا، اردوی کارگران، با همه تنوع افکار و ایده آله و گرایشها و احزابی که در آن وجود دارد، نماینده تغییر و یا تعدیل نظام موجود به نفع توده محروم و تحت ستم در جامعه است. اردوی بورژوازی، باز با کلیه مکاتب و احزاب سیاسی و متفکرین و شخصیت های رنگارنگش، خواهان حفظ ارکان وضع موجود است و در مقابل فشار آزادیخواهی و مساوات طلبی کارگری از نظام سرمایه داری و قدرت و امتیازات اقتصادی و سیاسی بورژوازی دفاع میکند.

کمونیسم کارگری از این مبارزه طبقاتی سر بر میکند. صفی در اردوگاه پرولتاریاست. کمونیسم کارگری جنبش انقلابی طبقه کارگر برای واژگونی نظام سرمایه داری و ایجاد یک جامعه نوین بدون طبقه و بدون استثمار است.

از برنامه حزب کمونیست کارگری ایران حکمتیست

زمینه های حمله دولت ترکیه به مناطق "کرد" نشین

اخیرا دولت اردوغان با گسیل نیروی نظامی به شهرها و مناطق مختلف کردنشین حملات گسترده ای را به بهانه مبارزه با حزب کارگران ترکیه (پ ک ک) آغاز کرده است. دولت اردوغان در این مدت علاوه بر اعمال تحرکات تروریستی در این منطقه، به دستگیری و اشغال کامل بخشی از شهرها و شهرک ها دست زده است و فضای رعب و میلیناریزه کردن جامعه را دامن زده است. مستقل از اهدافی که دولت ترکیه در این تعرض دنبال میکند، کشتار و دستگیری مردمان شهرهای مختلف ترکیه به بهانه جنگ با پ ک ک محکوم است. این تعرضات ادامه حملات و جنگ طلبی قبلی ارتش و دولت ترکیه علیه مردمی است که به کرد زبان منتسب اند. با این حال لشکرکشی و تهاجم اخیر در شرایط جدید منطقه ای روی میدهد. شرایطی که زمینه های تشدید چنین جنگی را فراهم کرده است.

دوره توافق دولت ترکیه و پ ک ک در پس تحولات خاورمیانه و صف بندیهای دوره اخیر در این منطقه به بن بست رسید. دوره ای که هم اردوغان و هم حزب کارگران کردستان، به نام اشاعه دوستی و اعمال دمکراسی و پایان جنگ، هر کدام با اهداف و تاکتیک های معین و در پی منافع خود، دنبال میکردند. جنگ و دعوای دوره کنونی میان دولت اردوغان و پ ک ک و حمله ارتش ترکیه به مناطق کرد نشین، بیان کننده فاکتورهای جدیدی در خاورمیانه و در تناسب قوا میان دولتها و احزاب و جریانات بستر اصلی در سیاست منطقه است.

فاکتورهای دخیل در تشدید تخاصمات دولت ترکیه و پ ک ک و حمله اخیر ارتش این کشور به مناطق کرد زبان از جمله عبارتند از:

الف - ترکیه در سوریه شکست خورده و برای جبران مافات این شکست سر به در و دیوار میکوبد. حمله اخیر ارتش ترکیه عکس العمل دولت اردوغان به این شکست در داخل ترکیه است. دولت ترکیه میخواهد پس لرزه های هزیمت اش در خارج مرزها به داخل مرزها و به تشدید مخالفت مردم علیه اش منتهی نشود. مردمی که در دل تحولات خاورمیانه در شهرهای بزرگ ترکیه در ابعاد وسیع علیه دولت جنایتکار حاکم و در دفاع از آزادی و حقوق پایمال شده خود به خیابانها ریختند. آنزمان بخش بزرگی از مردم کرد زبان ترکیه که تحت تاثیر پ ک ک بودند و پ ک ک پروسه "صلح و آشتی" با دولت اردوغان را پیش میبرد، در این تحرکات شرکت نکردند. امروز و در دل شکست ترکیه در سوریه، هدف گرفتن پ ک ک در چنین شرایطی و خلق یک دشمن داخلی برای همین مقصود است.

تماس با حزب حکمتیست

دبیرخانه حزب، شیوا امید

hekmatistparty@gmail.com

دبیر کمیته مرکزی: آذر مدرسی

azar.moda@gmail.com

دبیر کمیته تبلیغات: امان کفا

aman.kafa@gmail.com

دفتر کردستان حزب: خالد حاج محمدی

khaled.hajim@gmail.com

تشکیلات خارج کشور: فواد عبدالهی

fuaduk@gmail.com

ب - از طرف دیگر موقعیت پ ک ک و ائتلاف پشت سر او نیز تغییر کرده و گامها جلو آمده است؛ دولت بشار اسد سرچایش مانده است، جمهوری اسلامی جا پایش در منطقه محکم تر شده است. مهمتر از اینها روسیه در شرایط ناکارآمدی حملات ائتلاف غرب به داعش، ناگهان پیشتاز و امروز به نیروی اول در این عرصه تبدیل شده و در عین حال مورد حمایت اروپا هم هست. این بدان معناست که روسیه با بدست آوردن موقعیت برتر در سوریه، به دنبال سهم خواهی بیشتری در معادلات جهانی و منطقه ای در مقابل ناتو است و به همین اعتبار نیز موقعیت مخالفان دولت اسد و از جمله ترکیه تضعیف شده است. تحریکات ترکیه در این دوره، از جمله منهدم کردن جت جنگی روسیه نه تنها به بهبود موقعیت این کشور منجر نشد بلکه به زیانش نیز تمام شد. روسیه نه تنها در گام اول تحریم اقتصادی ترکیه را کلید زد بلکه امروز با به دست گرفتن اهرم پ ک ک و حمایت از این جریان به عنوان یکی از احزاب اصلی ناسیونالیسم کرد در داخل ترکیه یک گام دیگر به جلو گذاشت.

پ - از طرف دیگر پ ک ک میداند ترکیه در تمام دوره های قبل هیچگاه این اندازه در موقعیت ضعف قرار نگرفته است. در نتیجه به سیاست تسلیم آرام سابق کردن نمی گذارد و پیشنهاد همکاری مسکو برای در پیش گرفتن سیاست فشار به ترکیه را با جان و دل می پذیرد. پ ک ک تاریخا حتی در سالهای حاکمیت حافظ اسد نیز حاضر بود در دست سوریه علیه ترکیه به بازی گرفته شود، حالا که روسیه حاضر به بازی گرفتنش شده است، چهار دست و پا حاضر به قبول همکاری با پوتین است. تشدید درگیری های ترکیه و پ ک ک که محصول این فاکتورهاست.

پ ک ک در دهه های قبل تحت افق و منافع اغلب قدرت های منطقه ای به بازی گرفته شده و در



زنده باد انقلاب کارگری